

# ایران

## اقتصادی

سال بیست و نهم • شماره ۸۱۲۸  
سه‌شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ • ۲۳ رجب  
• Tuesday • 14 Feb 2023 • Vol 8128



برای مطالعه متن کامل این خبر و سایر اخبار به این نشانی مراجعه کنید

### تیتراها



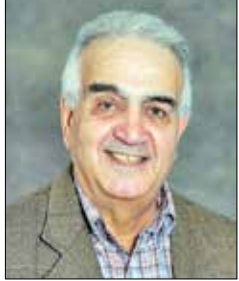
رئیس سازمان توسعه تجارت ایران در گفت‌وگو با «ایران»:  
**بازسازی و نوسازی صنایع ایران توسط چینی‌ها**

18



رئیس اتاق مشترک ایران و چین در گفت‌وگو با «ایران»:  
**چینی‌ها در تجارت با ما راحت می‌گیرند**

17



دکتر عبدالله صوفی استاد امریکا:  
**بازی دو سر برد تهران-پکن**

16



در این گزارش به اقدام وارداتی و صادراتی شریک اول تجارت ایران نگاه می‌اندازیم  
**صادرات ۱۲ میلیارد دلاری به چین در ۳۰۰ روز**

16

**ویژه سفر رئیس جمهور به چین**  
یکی از فرصت‌سوزی‌های دولت یازدهم و دوازدهم، خلاصه شدن مفهوم دنیا به کشورهای غربی حاضر در مذاکرات بود. نگاه ناموزن و کارکنانوری دولت گذشته به ارتباطات جهانی باعث شد از یک سو تمام مقدرات کشور وابسته به تصمیم مقامات کشورهای غربی مذکور شود. از سوی دیگر بسیاری از فرصت‌های اقتصادی و حتی برخی از تعاملات اقتصادی کشور با دیگر کشورهای جهان، قربانی این نگاه دولتمردان گذشته شد. از جمله مصادیق بارز از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و حتی همکاری‌های اقتصادی ناشی از سیاست دولت گذشته، در حوزه همکاری‌ها با کشور چین بود.



## اتحاد تهران-پکن احیای تجارت دشت هزار ساله

# سلام اقتصاد دوم جهان به ایران

دوستانه گذشته با چین تا حدودی متزلزل شده و در واقع از دست برود.

**همچنان باتکلیفی**  
البته در سال‌های اخیر هم که تا حدودی روابط با چین برقرار شد، توسعه روابط قائم به شخص بود و چینی‌ها تنها با اشخاصی که به آنها هنوز اعتماد داشتند ارتباط برقرار می‌کردند. واقعاً دوگانگی سیاست داخلی ایران به مناسبات ما با چین آسیب زده و تکلیف رویکرد راهبردی کشور برای تنظیم مناسبات با چین به نظر می‌رسد که هنوز مشخص نیست. از سوی دیگر نیز گویا به صورت همگن در داخل کشور سیاست یکپارچه‌ای در خصوص احیای واقعی روابط اقتصادی ایران و چین اتخاذ نمی‌شود. نکته دیگری که لازم است به آن توجه کنیم اینکه انعقاد قرارداد نفتی و انرژی بین چین و عربستان سعودی، فواید بلند مدتی برای ایران دارد. زیرا شرطی را که چین برای توسعه مناسبات تجاری با عربستان منظر قرار داده می‌تواند مناسبات سیاسی و اقتصادی کل جهان را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع توسعه مناسبات تجاری با عربستان منظر قرار داده می‌تواند مناسبات سیاسی و اقتصادی کل جهان را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع توسعه مناسبات تجاری با عربستان را به این شرط منعقد کرده که تمام مبادلات نفتی با یوان صورت بگیرد. این امر در بلند مدت منافعی بلند مدت جدی را برای کشور ایران خواهد داشت.

**فرصتی قابل توجه**  
عده‌ای غربگرا تمركز دولت سیزدهم بر تغییر رویکرد مناسبات جهانی انرژی از پایه دلار به یوان می‌تواند منافع بلندمدتی برای کشور بخصوص در زمینه توسعه، تجارت و سرمایه‌گذاری داشته باشد و دور زدن تحریم‌ها را برای کشور ما تسهیل کند. بر این اساس اگر چین وارد معاهده انرژی با از ملی خود با بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان شود برای کشور ما بسیار پر اهمیت می‌شود حتی اگر این معاهده با کشور رقیب منطقه‌ای ایران بوده و ما بخشی از بازار انرژی را از دست بدهیم.

**الزام استمرار و ثبات**  
همچنین در خصوص عملیاتی شدن قرارداد ۲۵ ساله با چین و اینکه دولت چه اقداماتی برای تسریع در عملیاتی شدن این پروژه انجام دهد، باید گفت یکی از گزینه‌های اصلی برای پایه‌سازی برنامه یک پهنه، یک راه، ایران است و مهمترین محور توسعه‌ای این برنامه چین هم اتصال زمینی دریای عمان به مدیترانه بود. بر این اساس از طریق عبور از ایران عراق و سوریه بود که کشورمان می‌توانست نقش پر رنگی در این زمینه ایفا کند. زمانی که معاهده ۲۵ ساله ایران با چین مطرح شد شاهد بحران سیاسی در عراق بودیم و به این دلیل پای چینی‌ها از عراق کوتاه شد. در پروژه «یک پهنه، یک راه» فقط بحث سرمایه‌گذاری چین در ایران نبود بلکه مسأله اصلی مشروط و منوط به پیاده‌سازی این پروژه بود که باید در سه کشور ایران، عراق و سوریه به صورت یکپارچه انجام می‌شد. اتصال زمینی جاسک به طرطوس هم در همین راهبرد «یک پهنه، یک راه» مطرح شد که با چند چالش ژئوپلیتیکی مواجه بود. یکی از چالش‌ها این است که اسرائیل به صورت مستمر در حال بمباران مناطق مرزی بین عراق و سوریه است تا ایران نتواند آن درگاه مرزی را به صورت مستمر باز نگه دارد. همچنین در این روند مسائلی که طی چند سال اخیر در ایران رخ داد به نوعی باعث شد که چینی‌ها به بن‌بست سیاسی در ایران برخورد کنند. اگر واقعاً بخواهیم شاهد احیای منطقی مناسبات اقتصادی ایران و چین باشیم ضرورت داشته موضع سیاستمداران کشورمان در تعامل با چین به صورت پایدار و یکپارچه مشخص شود. همچنین در این روند نباید تغییری باشد تا مجدد بحران در روابط ایجاد شود. هدف از معاهده ۲۵ ساله هم این بود که یک استمرار و ثبات در روابط اقتصادی ایران و چین نهادینه شود. البته نکته قابل توجه دیگر این است که باید وزن مناسبی بین خواسته‌های چین و ایران در برنامه مذکور لحاظ شود و تأمین منافع کشورمان در اولویت قرار گیرد.

استفاده مداوم از پیمان پولی دوجانبه بین تهران-پکن می‌تواند سلطه دلار را در مبادلات تجاری بین دو کشور کاهش دهد

## نگاه دوگانه غربگرایان ایران درباره چین

اگر به چین نزدیک شویم می‌گوییم مستعمره شدیم، اگر رئیس جمهور چین به عربستان برود می‌گوییم چین شما را کنار گذاشته است!



**دکتر حسین رشوی پورا** عده‌ای غربگرا تمركز دولت سیزدهم بر استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی چین را مورد نقد قرار می‌دهند و معتقدند اگر چین در بخش‌هایی از ایران سرمایه‌گذاری کند بزودی ایران مستعمره چین خواهد شد، اما اگر چین با کشورهای رقیب ایران در منطقه همکاری اقتصادی انجام دهد ایران را منتهم به باختر رقابت اقتصادی می‌کنند. به هر حال ما باید احیا و توسعه مناسبات اقتصادی با چین را مد نظر قرار می‌دادهیم چرا که این کشور برای افزایش اقتدار اقتصادی خود نیاز مبرم به همکاری با کشورهای برجسته منطقه خلیج فارس - که ذخایر فراوان انرژی دارند - دارد. زمانی که ایران در این خصوص کوتاهی می‌کند، طبیعی است که چین برای تأمین انرژی مورد نیاز خود به سراغ کشورهای دیگر در خلیج فارس خواهد رفت. بنابراین تغییر رویکردی که چین به سمت عربستان سعودی داشته را باید در همین راستا ارزیابی کرد. رفتار دوگانه‌ای که برخی سیاستمداران غربگرا در خصوص روابط اقتصادی ایران و چین دارند در گذشته نیز سابقه داشته است. به عنوان نمونه زمانی که مذاکرات برجام در مراحل نهایی بود مقامات عالی کشور در آن زمان می‌گفتند که پس از انعقاد برجام کسانی را که در دوره تحریم با ما همکاری اقتصادی داشتند رها نخواهیم کرد. اما زمانی که برجام امضا شد، تمام قراردادهای و مراداتی که با چین داشتیم قطع و حرکت به سمت شرکت‌های آمریکایی و اروپایی مد نظر قرار گرفت. سرانجام قطع همکاری با چین، قرارداد بیست با شرکت‌های غربی در حوزه‌های مختلف همچون خودرو، نفت و حتی کترینگ بود، به‌طوری که برای مسائل جزئی از جمله تأمین غذای قطارهای مسافری راه آهن با شرکت‌های اتریشی قرارداد بستند.

**نشت قابل تأمل اطلاعات**  
یکی دیگر از اقدامات غیرمنطقی، نسنجیده و قابل تأمل دولت قبل این بود که تمام اسناد و مدارک شیوه‌هایی که تحریم‌ها در حوزه‌های مختلف نفتی، هواپیمایی، مالی و غیره دور زده می‌شد به دست غربی‌ها رسید. همین بی‌تدبیری باعث شد که در کنار شرکت‌ها و شخصیت‌های ایرانی که تحریم شدند، اسامی و شرکت‌های چینی زیادی نیز تحریم شوند. این نشت اطلاعات عملاً باعث شد که پل‌های پشت‌سر ایران برای برقراری مناسبات

خالی کشورمان کاملاً مشهود است. اما چه شده که ایران در این مسیر نادیده انگاشته شد.

**سودای فتح اروپا**  
شعار چین در هزاره سوم «پیش به سوی غرب» است که متأثر از واکنش به استراتژی آمریکایی «چرخش به سوی آسیا» برای مهار چین بود. اوپاما در اواخر سال ۲۰۱۱ با اتخاذ استراتژی «چرخش به آسیا» رسماً اعلام کرد که قصد دارد منطقه آسیا-پاسفیک را به اولویت سیاست خارجی خود تبدیل کرده و توجه بیشتری به آن معطوف کند. پاسخ چین برای درم شش ششستن استراتژی «چرخش به سوی آسیا» استراتژی «پیش به سوی غرب» است. تصور از غرب در اینجا غرب جغرافیای چین که در واقع اوراسیا و اروپا است. بر پایه سندی که از سوی چین منتشر شده، راه ابریشم نوین دربردارنده دو مسیر تجاری است: «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی». مسیر زمینی یا همان کمربند راه ابریشم نوین، در پی پیوند اروپای توسعه‌یافته با آسیای درحال توسعه خواهد بود. کمربند راه ابریشم نوین، در مرحله طراحی یا در حال ساخت هستند: **دالان اقتصادی چین-مغولستان-روسیه** **دالان اقتصادی پل زمینی اوراسیا زمینی** **دالان اقتصادی چین-آسیای میانه-آسیای غربی** که ایران در این دالان قرار دارد **دالان اقتصادی چین-پاکستان** **دالان اقتصادی شبه جزیره هند و چین** **دالان اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار** **راه ابریشم دریایی، کمربند کرانه‌های چین** از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوس هند به شبه جزیره عربستان، سومالی، مصر و اروپا پیوند می‌دهد و شامل دریای چین جنوبی، تنگه مالاکا، اقیانوس هند، خلیج بنگال، دریای عرب، دریای عمان، خلیج فارس و دریای سرخ است. بی تردید در دهه‌های آینده، در این بخش از جهان شرکت‌های چندملیتی از همه کشورها، فرصت شایان توجهی پیدا خواهند کرد تا عرض اندام کنند و خود را برای یک روزنامه‌ی جهانی آماده کنند.

آنچه که حائز اهمیت است و باید به آن به عنوان نگاه ویژه و استراتژیک توجه کرد، آن است که نتیجه مطلوب راه‌اندازی شبکه کریدور توسعه ایران، پیوند با حوزه تمدنی ایران بزرگ است. موفقیت جغرافیایی، مهم‌ترین دلیل برای بنیان نهادن کریدور توسعه ایران نیست؛ دلیل اصلی را می‌توان کشور پیاده‌سازی کرد. به عبارت دیگر صرف نظر از اینکه احیای کریدورها تأثیر مهمی بر اقتصاد ایران می‌گذارد، نکته اساسی این است که ما باید در زنجیره ارزش جهانی و در مبادلات بین‌المللی، قایل از هر چیزی نقش خود را پیدا کرده و بدرستی آن را ایفا کنیم. بی‌تردید راه‌اندازی کریدور توسعه‌ای ایران با اولویت توسعه تجارت و افزایش چسبندگی اقتصادی به سوی کشورهای حوزه تمدنی ایرانی (همچون آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و هند) اولویت اصلی احیای کریدورها باید باشد.

## نبرد بدون فرمانده

**تحلیل**  
**سید علی امامی**  
تحلیلگر مسائل اقتصادی

کسی فکر نمی‌کرد مسیر تجاری که از ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد از «شیان» در چین میانی آغاز شده و با گذار از سمرقند و بخارا به خراسان بزرگ می‌رسید و شرق ایران را به غرب آن پیوند می‌داد، دوباره بر سر زبان‌ها بیفتد. سالیان سال بود که جاده ابریشم را فقط در تاریخ می‌خواندیم و مزایای آن را به گذشته دور نسبت می‌دادیم، اما دو دهه می‌لادی است که «راه ابریشم نوین» بزرگ‌ترین پروژه اقتصادی جهان شده است. در گذشته راه ابریشم، چین را به اروپا پیوند می‌داد اما این مسیر وقتی به ایران می‌رسید سه شاخه می‌شد: شاخه جنوبی، «شامات» را در می‌نوردید و به «اطلاقیه» در کرانه دریای مدیترانه می‌رسید، شاخه میانی از «بیژانس» (استانبول کنونی) عبور می‌کرد و شاخه شمالی از «قفقاز جنوبی» گذر می‌کرد و به «تراموزان» می‌رسید.

در کنار مسیر زمینی، راه ابریشم باستانی، راه دریایی هم داشت که از دریای چین جنوبی و تنگه مالاکا، اقیانوس هند و دریای مکران (عمان) و خلیج فارس خود را به بازارهای مصرف می‌رساند. این مسیر بیش از ۴۰۰۰ سال دوام داشت و اصلی‌ترین مسیر تجاری جهان بود تا اینکه در قرن ۱۸ و با کشف قاره آمریکا، مسیرهای نوین و پرسود بازرگانی از آسیا به طرف اقیانوس اطلس چرخیدند و راه ابریشم اندک‌اندک از یادها رفت تا اینکه دو قرن بعد و در هزاره سوم، چین خیزش دوباره کرد و رشد چشمگیر در هزاره نوین، کانون توجهات را مجدداً از غرب به شرق چرخاند تا اینکه در اکتبر ۲۰۱۳ برای نخستین بار «شی جین پینگ» رئیس جمهور چین و سپس سایر مقامات چینی برده از کلان‌پروژه راه ابریشم نوین برداشتند و در سال ۲۰۱۷ طی مراسمی با حضور رهبران نزدیک به ۳۰ کشور جهان در این است که در راه ابریشم نوین افتتاح شد. این شبکه ارتباطی و مسیرهای ترانزیتی، لوله‌های نفت و گاز، بنادر، فرودگاه‌ها، خطوط راه‌آهن و تأسیسات انرژی است. برپایی دوباره این راه، ۶۵ درصد جمعیت جهان، ۴۰ درصد تولید ناخالص جهانی و ۷۱ کشور را دربر خواهد گرفت. راه ابریشم نوین که با نام‌های «یک کمربند، یک جاده» یا «بنتکار کمربند و جاده» معروف شده یک تفاوت عمده دارد و آن این است که در راه ابریشم باستانی، ایران مرکز ثقل این جاده بود اما در مسیر راه ابریشم نوین، ایران کمترین نقش را ایفا می‌کند و جای